

بردارهای کوتاه اشتغال

مباحثی در اقتصاد سیاسی کار در ایران

Hamid Gheissari
as.gheissari@gmail.com

از جامعه‌شناسی به علوم اجتماعی انتقادی و اقتصاد سیاسی

پیامدها و عوارض عدم نقد نافذ
عملکردهای اقتصاددانان

اضطراهای معرفتی و اجتماعی
ناشی از «قدرت» مندتر بودن
اقتصاددانان

زمین‌های مشترک بازی با
اقتصاددانان

فرعی ماندن صداهای
«اجتماعی» در حوزه‌ی
«توسعه»

انتزاعی بودن شناخت‌های
برآمده از جامعه‌شناسی
درسنامه‌ای

دهه‌ها بحث انتزاعی در باب ضرورت‌های توسعه‌ی پایدار....

ادبیات توسعه‌ی پایدار با تأخیر زیادی وارد ایران نشد

مثل بسیاری از موضوعات دیگر در «واردات ادبیات» فعال بودیم

با این همه حتی نمی‌شود بساط توسعه در ایران را تکنوکراتیک دانست

توسعه در ایران میدان تحت سیطره‌ی نگاه «مهندسی» است

پس مسأله‌ی ما در این کشور صرفاً مقاومت در برابر نوعی نگاه «نوسازانه» نیست

باید به سطح «اقتصاد سیاسی» برویم و از معنای عمیق «سیاست» پرسیم

«سیاست»ی که منطق «تخصیص منابع» را در این توسعه‌ی «مهندس محور» رقم زده است

چیستی این هیبرید جاری در اقتصاد سیاسی ایران

4

این هیبرید به نحو خاص خود «شکل گرفته»؛ به نحو خاص خود با «روابط اجتماعی» درآمیخته؛ این هیبرید باید به ما بگوید چه عناصر سرمایه‌دارانه‌ای را با چه منطقی جذب یا دفع کرده.

شان اقتصاد سیاسی اما گزارش‌گری تجربه‌محور نیست. طرد شرکتی‌ها را باید با رویکرد انتقادی نسبت به چیستی آن چه بر اقتصاد سیاسی حاکم است - چیستی این هیبرید «خاص» - تشریح کرد؛

بخش‌هایی از جمعیت بی‌شک در حال تجربه‌ی منطق برهنه‌ی بازار آزاد هستند. نمونه‌ی شرکتی‌ها را در مقاله‌ی خود بررسی کرده‌ایم. در آن‌جا تصدیق کردیم که شرکتی‌ها به زنده‌ترین اقسام طرد و استثمار دچار هستند؛

این خدمت‌گزار پولی - مالی - یارانه‌ای...

5

- وام‌هایی داده و مشوق‌هایی پرداخته تا کارفرمای خصوصی را تشویق کند به استخدام بیشتر
- به اشکال گوناگون از کارفرمای خصوصی حمایت یارانه‌ای کرده
- در سیاست‌های غیرفعال همیشه «کارهایی می‌کرده»؛ «رزومه»‌ای داشته در زمینه‌ی سیاست‌گذاری‌های «بیمه‌ای»؛ «مدعی» بوده که بی‌تفاوت نیست نسبت به پوشش‌های بیمه‌ای و حمایت‌های مالیاتی از نیروهای کار

- اثر و نشانی اما از این پیکره‌ی خدمت‌گزار در حوزه‌هایی خاص نیست.
- فرآیندهای کاریابی با ابتذال پیش می‌روند و صحنه‌ی فساد و تبانی‌اند؛
- حوزه‌ی مهارت‌افزایی هم‌چنان «فرعی» است؛ اندام حیاتی این پیکره نیست؛
- برنامه‌های اشتغال موقت «اضطراری» نیستند؛ درمان‌های دائمی بحران‌افزا هستند؛
- پروبلماتیک این پیکره نه طرد زنان بلکه مهار اجتماعی آنان است

یک کورپوراتیسم ارتجاعی... و نه چیزی نزدیک به نوکورپوراتیسم رفاهی

6



کورپوراتیسمی ارتجاعی و دچار ضعف‌های حاد نهادی

7

ضعف بسترهای نهادی برقراری دیالوگ‌های اجتماعی به نفع بازاندیشی در الگوی توسعه

جایگزینی منطق گاورنمنتالیته متکی بر اشتغال با منطق وابستگی نوپاتریمونیالی

تلفیق تخصیص منابع نوپاتریمونیالی با حاکمیتی کردن ظرفیت‌های مدنی و صنفی نیروهای کار

بازگشت از جامعه‌ی مدنی به «جمعیت»؛ «جمعیت دچار بحران رفاهی»

- فرآیندهای کاریابی با ابتذال پیش می‌روند و صحنه‌ی فساد و تبانی‌اند؛
- حوزه‌ی مهارت‌افزایی هم‌چنان «فرعی» است؛ اندام حیاتی این پیکره نیست؛
- برنامه‌های اشتغال موقت «اضطراری» نیستند؛ درمان های دائمی بحران‌افزا هستند؛
- پروبلماتیک این پیکره نه طرد زنان بلکه مهار آنان است

صدای ناقد اجتماعی در این شرایط چه کرده و می‌کند؟

8

نقد اجتماعی انتقادی و کورپوراتیسم ارتجاعی

آیا رهایی‌بخش است که دولت را وادار کنید در شرایط بحران منابع ناشی از تخصیص نوظاتریمونیالی و رکود و انهدام حوزه‌ی اشتغال هم‌چنان به حمایت‌های رفاهی اضطراری وسعت و دامنه ببخشد؟

ایده‌آل انتقادی و چپ دستیابی به چه جامعه‌ای است و «کار» در آن ایده‌آل چه جایگاهی دارد؟ آیا ایده‌آل سنت انتقادی و چپ رسیدن به وضعیت «از هیچ کس هیچ انتظاری و به هر کس به هر اندازه که می‌خواهد» است؟

رکود صدای ناقد اجتماعی در نقد «کار-محور» این کورپوراتیسم ارتجاعی، خود بخش مهمی از بحران مبتلابه اقتصاد سیاسی در ایران است؛ بازگشت از جامعه‌ی مدنی به «جمعیت» بیش از هر صدایی، آن صدای ناقد اجتماعی را بلامحل و ناکام می‌کند

دو مورد را در کنار یکدیگر بررسی کنیم...

9

خلع ید از مالکان خصوصی هفت تپه

اصل خبر خوشحال کننده بود؛ واگذاری کارخانه‌ی بحران زده به مالکی که از بحران آن منفعت خصوصی می برد، نامشروع بود

آن خبر اما می بایست با این پرسش همراه شود که در نهایت آیا بازگشت به زیر چتر حمایتی یک کورپوراتیسم ارتجاعی خوشحال کننده است؟

پیوند زدن ایده‌ی یارانه‌ی نقدی با مقوله‌ی درآمد پایه‌ی همگانی

درآمد پایه می تواند به ایده‌ای برای تشدید آن وابستگی‌های رفاهی تبدیل شود؛ یارانه‌ی نقدی کمک رفاهی مترقی نبود، بلکه پولی کردن مسئولیت‌های دولت بود

شرط «کار-محوری» که حذف شود، مداخلات پولی - مالی مورد استقبال اردوگاه راست قرار می گیرند

این اشتراکات مضمونی با بدیل‌های راست را جدی بگیریم...

صدای ناقد اجتماعی باید در عرصه‌ی
بدیل‌پردازی «کار-محور» فعال شود؛
بدیل‌پردازی برای احیای «جامعه‌ی
مدنی» توانا در مشارکت منصفانه و عاری
از استثمار در «خلق ارزش»؛ در غیاب
این صدای ناقد، بدیل‌های راست به
شکل فزاینده‌ای «جمعیت» مطالبه‌گر
تولید خواهند کرد

استحصال منابع با اتکا بر رانت طبیعی
تنها ویژگی این کورپوراتیسم ارتجاعی
نیست؛ قدرت‌گیری روزافزون بورژوازی
مستغلات و سرمایه‌ی مالی - تجاری از
دیگر ویژگی‌های آن هستند؛ رفاهی نگاه
داشتن مطالبات «جمعیت»، به این اقسام
سرمایه فضای بیشتری هم برای رشد و
تسخیر فرصت‌های سوداگری می‌دهد

نمونه‌ای از بدیل‌پردازی کار-محور را مرور کنیم...

فریبرز رئیس‌دانا: راهبرد رشد اتکایی

حمایت از تشکیل زنجیره‌های صنعتی متکی بر یکدیگر

زنجیره‌های مقاوم توان تولید و صادرات صنعتی کشور

زنجیره‌هایی که فشار را از نیروی کار برمی‌دارند و از آن محرومیت‌زدایی می‌کنند

زنجیره‌هایی که مشارکت در آن‌ها متضمن بهبود سرمایه‌های انسانی نیروی کار است

زنجیره‌هایی که ایده‌ی انباشت اجتماعی را جایگزین انباشت سرمایه می‌کنند

زنجیره‌هایی که نیروهای کار را به منتفعان پیشرفت فناوری تبدیل می‌کنند

زنجیره‌هایی که به کشور توان مقاومت منطقه‌ای در برابر سرمایه‌ی گلوبال می‌بخشند

رشد اتکایی یک ایده‌ی رهایی بخش در برابر بدیل ارتجاعی رفاه‌محور است

بدیلی که وابستگی مبتنی بر رانت به سرمایه‌ی گلوبال را تشدید می‌کند



سه‌م مهمی از منابع حاصل از رانت طبیعی را به تحکیم شبکه‌های وابسته به خویش تخصیص می‌دهد



در سطح «جمعیت» تولید محرومیت می‌کند

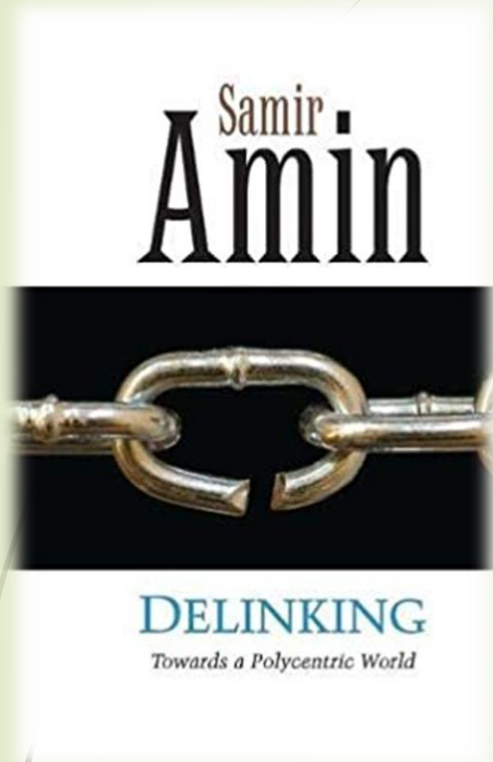


در سطح «جمعیت» مناسبات مبتنی بر «وابستگی» را گسترش می‌دهد



و به شکل روزافزون حیطه‌های کلیدی ارتقای بضاعت‌های جامعه‌ی مدنی را بازارسپاری می‌کند

مرور تبار نظری راهبرد رشد اتکایی هم مفید است



پیوندزدایی و جهان چندکانونی سمیر امین

امین سال‌ها نظریه‌پرداز مکتب وابستگی بود و شروطی را برمی‌شمرد که بدون آن‌ها امکانی برای توسعه‌ی آمیخته با عدالت متصور نبود. سرمایه‌ی گلوبال اما بر خلاف رویکرد وابستگی نیازمند شروطی برای تحقق ظرفیت‌های خود نبود. امین با طرح مقوله‌ی جهان چندکانونی، از رویکرد وابستگی عبور می‌کند. نیاز اصلی کشورها برای تحقق بدیل‌های آمیخته با عدالت یافتن بدیل‌هایی برای توسعه است که به آن‌ها امکان مقاومت در برابر منطق سرمایه‌ی گلوبال را ببخشد. بدون این بدیل‌پردازی آن‌چه رخ می‌دهد ادغام خشونت‌بار در اقتصاد جهانی تحت الزامات الگوی «درب‌های کاملاً باز» خواهد بود.

ناقد اجتماعی چگونه می‌تواند بدون بدیل‌پردازی
ایجابی در قبال این روند از خود مقاومتی نشان دهد؟

کورپوراتیسم ارتجاعی رفاه‌محور

تولید محرومیت و تولید جمعیت «وابسته»ی رفاهی

بازارسپاری و خیریه‌سازی توأمان

تبدیل مهاجرت به بدیل همیشگی نیروهای کار ماهر

تبدیل توسعه به صحنه‌ی وابستگی به کانون‌های خاص سرمایه

تبدیل دولت به بازارباب فرصت‌های تشدید وابستگی

اتلاف منابع هنگفت عمومی ذیل عنوان حمایت از صنایع بومی

جایگزینی سیاست صنعتی با سیاست تأمین نیروی کار ارزان

علوم اجتماعی انتقادی باید وارد میدان سیاست صنعتی شود

و داشتن دولت به
سرمایه‌گذاری‌های
انسانی و اجتماعی به
نفع احیای جامعه‌ی
مدنی

بازاندیشی انتقادی
درباره‌ی مسیرهای
تخصیص بهینه‌ی
منابع عمومی برای
احیای ظرفیت‌های
توسعه‌ی ملی

حمایت از ثبات
اقتصادی و مقاومت
در برابر تقویت
کانون‌های سرمایه‌ی
نامولد مالی و تجاری

دفاع از ظرفیت‌های
مدنی و صنفی
نیروهای کار در بطن
یک سیاست‌گذاری
کار-محور

ترویج بنگاه‌های
بهره‌ور متکی بر
تصمیم‌گیری‌های
دموکراتیک که به
توسعه‌ی ملی محتوا
و جهت می‌بخشند